

## اقرارنامه زوجیت

لطیف عبادپور\*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شپښه شکاره علوم انسانی و مطالعات فریښکی  
پرتال جامع علوم انسانی

## اقرارنامه زوجیت

### مقدمه

دلایلی همچون: بی سوادی، ناآشنایی با قوانین، در دسترس نبودن دفاتر رسمی ثبت ازدواج، نبود ضمانت اجرایی کاراً در مورد ثبت ازدواج و یا با وجود ضمانت اجرایی لازم، عدم اجرا و یا ممکن نبودن اجرای آن، افزایش غیر کارشناسی سن ازدواج و یا بدون مدنظر قرار دادن واقعیت‌های اجتماعی جامعه ایران و... سبب شده است در قشلاقات و روستاهای دور و نزدیک و حتی در بعضی از نقاط شهری و بخصوص شهرهای کوچک کشور مزدوجین، به اجرای صیغه عقد دائم در نزد روحانی محل اکتفاء نموده و از ثبت آن در دفاتر رسمی ثبت ازدواج خودداری کنند. این وضع در طول سالیان دراز تداوم داشته و حاصل آن تعداد زیادی ازدواج است که هنوز هم به صورت ثبت نشده، باقی مانده است. این در حالی است که بر اساس ماده یک قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰/۵/۲۳ هر مردی که در غیر دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مبادرت به ازدواج و طلاق و رجوع می‌نمود به یک تا شش ماه حبس تأدیبی محکوم می‌شد، مهمتر اینکه همین مجازات برای عاقدی نیز مقرر بود که بدون داشتن دفاتر رسمی به اجرای صیغه ازدواج یا طلاق یا رجوع اقدام می‌نمود. چنین مجازات نسبتاً سنگینی مانع وقوع ازدواجهای غیر ثبتی نگردید. هرچند که بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، شورای محترم نگهبان در نظریه‌ای، مجازات شوهر و

عاقده را در مورد نکاح و طلاق و رجوع ثبت نشده، غیر شرعی اعلام کرد،<sup>۱</sup> لکن ضروریات و مصالح اجتماعی ایجاب نمود که قانونگذار به فکر احیاء مجازات مرد در چنین مواردی بیفتد. ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «به منظور حفظ کيان خانواده، ثبت واقعه ازدواج دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است. چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید به مجازات تعزیری تا یک سال محکوم می‌گردد.»

نه ماده یک قانون ازدواج و نه ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی، مانع ازدواجهای غیر ثبتی نگردید و تعداد قابل توجهی از مردم هنوز هم ازدواج غیر رسمی را بر ازدواج ثبتی ترجیح می‌دهند، به خصوص که ثبت ازدواج خود دارای تشریفات خاص و هزینه‌ای در دفاتر رسمی است. گذشت زمان، ضرورت‌هایی، این مزدوجان را وا می‌دارد که به فکر ثبت ازدواجهای غیر رسمی خود بیفتند. بعد از ازدواج زوجین صاحب اولاد می‌شوند و لازم است نام فرزند در اسناد سجلی آنها قید شود، یا ممکن است زوج بازنشست شود و زوجه برای بهره‌مند شدن از مزایای بازنشستگی نیاز به اثبات رابطه زوجیت داشته باشد، و یا زوجه بخواهد به خارج از کشور سفر کند و به خصوص برای انجام فریضه حج یا زیارت عتبات عالیات ناچار به ترک کشور باشد و اداره گذرنامه رضایت مکتوب شوهر را مطالبه کند و... همه اینها نیازمند سندی است که دلالت بر رابطه زوجیت طرفین داشته و مراتب در اسناد سجلی آنها نیز قید شده باشد. تا تاریخ ۱۳۷۹/۷/۵ که نظریه کمیسیون وحدت رویه کانون سردفتران و دفتریاران در پاسخ سؤال دادستان انتظامی سردفتران و دفتریاران اعلام شد و به موجب آن دفاتر رسمی ازدواج از ثبت ازدواجهای غیر رسمی که در ایام گذشته منعقد گردیده است منع شدند، دفاتر مزبور این اشخاص را به دفاتر اسناد رسمی ارجاع می‌نمودند و پس از تنظیم اقرارنامه زوجیت مبادرت به ثبت ازدواج در دفتر رسمی به استناد اقرارنامه می‌کردند. نظر کمیسیون وحدت رویه این بود که: «چون سند اقرارنامه زوجیت که در دفاتر اسناد رسمی تنظیم می‌گردد خود به تنهایی سند رسمی

می‌باشد و با توجه به ماده ۲ قانون ازدواج و ماده ۲ نظام نامه قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰، مجوزی برای ثبت مفاد اقرارنامه تنظیم شده در دفاتر ازدواج و نکاحیه به نظر نمی‌رسد.<sup>۱</sup>

این نظریه تکلیف دفاتر اسناد رسمی را دو چندان ساخت، چراکه باید سندی تنظیم نمایند که دارای آثار یک سند ازدواج باشد.

تنظیم اقرارنامه زوجیت چه قبل و چه بعد از صدور این نظریه، در دفاتر اسناد رسمی با محدودیت‌هایی مواجه بوده است و دفاتر اسناد علاوه بر شرایط کلی که برای نفوذ اقرار در قانون مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین جاری آمده، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور شرایط خاصی را نیز به موجب بخشنامه برای آن مقرر داشته است. شرایطی که بعضاً به نظر می‌رسد مستند به نص صریح قانونی نبوده و یا اگر هم در تبیین یک ماده قانونی صادر شده آن قانون نسخ شده است، ولی به هر حال این بخشنامه‌ها صرف نظر از قوانین مبنای صدور آنها در حال حاضر در بازرسی دفاتر اسناد رسمی مورد استناد قرار گرفته و چه بسا سران دفاتر اسناد رسمی به علت عدم رعایت چنین بخشنامه‌هایی تحت تعقیب انتظامی قرار می‌گیرند. نمونه چنین بخشنامه‌هایی، بند ۴۱ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی است که به موجب آن ذکر دین رسمی زوجین در اقرارنامه زوجیت لازم و ضروری بوده و برابر بخشنامه شماره ۱۶۵۶۹/۱۳۴۴ - ۱۲/۱۰/۷۸ سازمان ثبت لغو گردید. بخشنامه‌ای که مدت مدیدی (حدود ۲۶ سال) اگر یک سردفتر بر خلاف آن عمل می‌نمود یعنی مذهب زوجین را در سند اقرارنامه زوجیت قید نمی‌کرد تحت تعقیب انتظامی قرار می‌گرفت و حداقل سه ماه انفصال در انتظارش بود.

هدف ما در این نوشتار بر شمردن و نقد شروط و قیودی است که به موجب بخشنامه (بدون استناد قانونی یا مستند به قانون منسوخ) و یا در نتیجه برخورد سلیقه‌ای سران دفاتر اسناد رسمی در تنظیم اقرارنامه زوجیت مدنظر قرار می‌گیرد و در این گونه اسناد

---

۱. این نظریه طی شماره ۲۰۰۰۲ - ۱۳۷۹/۷/۵ کانون سردفتران و دفتریاران به دفاتر اسناد رسمی ابلاغ شده است.

بدان تصریح می‌شود و همچنین نقد بخشنامه هایی است که در همین باره صادر شده است: (۱) بند ۱۷۱ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی: «با توجه به مقررات قانونی هرگاه شناسنامه زوج و مدارک تسلیمی دیگر دلالت کند که زوج همسر دیگری ندارد و این معنی مورد تایید زوج هم قرار گیرد ثبت اقرارنامه رسمی طبق ماده ۶۸ اصلاحی مصوب ۱۳۵۰/۱۲/۲۳ آیین نامه قانون ثبت احوال بلاشکال است و باید در متن سند اعتراف طرفین به اینکه زوج همسر دیگر ندارد نیز تصریح و قید گردد.»

#### ۱-۱- شرط نبودن همسر دیگر برای زوج اقرار کننده

مسلم است که مقصود از مقررات قانونی در بخشنامه فوق الذکر همان مقررات قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۰ و قانون حمایت خانواده است چرا که قانون مدنی تعدد زوجات را پذیرفته و از نظر این قانون ازدواج مجدد ایرادی ندارد. مواد ۹۰۰ و ۹۰۱ و ۹۴۲ ق.م.اجمالاً بیانگر این معنی است که مرد می‌تواند زنان متعدد اختیار کند ولی او باید بین زوجات رعایت شرط عدالت را بنماید.

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ احراز شرط اجرای عدالت را به دادگاه واگذار کرده بود،<sup>۱</sup> ولی ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۳ این شرط را برای ازدواج مجدد کافی ندانست. بلکه ازدواج مجدد را در موارد خاصی جایز شمرد که البته آن هم موقوف به کسب مجوز از دادگاه گردید. ماده ۱۷ قانون حمایت خانواده در همین باره می‌گوید: «... دادگاه با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند ۱ ماده ۱۶ اجازه اختیار همسر جدید خواهد داد...».

در حال حاضر سرنوشت قانون حمایت خانواده درباره تعدد زوجات با ابهام شدید مواجه است. در حالی که هیچ متن قانونی دایر بر نسخ صریح یا ضمنی آن دیده نمی‌شود، دادگاههای عمومی فقط برای برخی از مواد قانونی آن اعتبار قائل می‌شوند و بقیه را به

۱. ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۴۶.

دلیل تقید به اجرای مقررات شرع، بر خلاف شرع تشخیص داده و وا می‌نهند. مثلاً در عین حال که دادگاهها تحصیل اجازه نکاح مجدد را از محاکم ضروری می‌بینند و به شرط اجرای عدالت و توانایی مالی مرد در اعطای مجوز بهایی ویژه قائلند، لیکن شرایط دیگر ماده ۱۶ را که محدودیتی زاید بر ضوابط شرعی است رعایت نمی‌کنند<sup>۱</sup> و از طرف دیگر شورای نگهبان نیز ضمانت اجرای کیفری این قواعد را که در بخش اخیر ماده ۱۷ آن قانون آمده، غیر شرعی اعلام کرده است.<sup>۲</sup> اگر هم ضمانت اجرایی کیفری منع ازدواج مجدد بدون تحصیل اجازه از دادگاه غیر شرعی اعلام نمی‌شد، به نظر نمی‌رسد مقصود قانونگذار از تعیین مجازات برای مردی که با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه از دادگاه مبادرت به ازدواج نماید، بطلان نکاح دوم باشد. بلکه قانونگذار می‌خواسته با مجازات مرد و عاقد و سردفتر و همسر دوم، از وقوع این گونه ازدواجها جلوگیری کند؛<sup>۳</sup> چنانکه در حال حاضر نیز با غیر شرعی اعلام شدن مجازات مقرر در ماده ۱۷ ق.ح.خ چون دفاتر رسمی ازدواج، حق ثبت رسمی ازدواج دوم دائم را بدون اجازه دادگاه ندارند و در نتیجه نکاح ثانوی بدون ثبت باقی می‌ماند، دادگاهها با استفاده از اهرم ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی (جرم عدم ثبت واقعه ازدواج دائم) سعی دارند نظر واضعان ق.ح.خ را تأمین کنند و مانع ازدواجهای بی‌رویه مجدد مردان شوند.

حال، با اعتقاد به صحت نکاح دوم، تنظیم اقرارنامه زوجیت برای متعاقبین نکاح ثانوی غیر ثبتی چه اشکال قانونی می‌تواند داشته باشد؟ و با کدام یک از مواد قانون حمایت خانواده و قانون مدنی و سایر قوانین جاری منافات دارد؟ اگر تنظیم اقرارنامه برای این نوع ازدواجها صرفاً به دلیل مجازات کیفری پیش بینی شده در بخش اخیر ماده ۱۷ قانون حمایت خانواده (که به دلیل غیر شرعی اعلام شدن از سوی شورای نگهبان در دادگاهها اجرا نمی‌شود) منع داشته باشد باید تنظیم اقرارنامه برای ازدواج اول نیز ممنوع باشد. چرا که ازدواج غیر ثبتی نیز در گذشته طبق ماده یک قانون ازدواج و در حال حاضر

۱. دکتر ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی (خانواده)، ج ۱، انتشارات بهنشر، ۱۳۶۸، ص ۱۱۸.

۲. ج پی نوشت شماره ۱.

۳. دکتر ناصر کاتوزیان، همان، صص ۱۲۱ و ۱۲۰.

به موجب ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی جرم تلقی شده و برای آن مجازات تعیین گردیده است.

اگر بر فرض، تحصیل اجازه از دادگاه را شرط صحت نکاح ثانوی بدانیم (که البته مراد قانونگذار نمی‌تواند وضع یک شرط دیگر برای صحت نکاح دوم باشد) باز اشکالی بر ازدواج دوم وارد نخواهد بود و مرد می‌تواند بعد از انعقاد نکاح نیز مبادرت به تحصیل اجازه از دادگاه نماید و در آن صورت اخبار به وقوع عقد ازدواج ثانی در زمان گذشته چه منعی می‌تواند داشته باشد. حال آنکه بند ۱۷۱ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی صرفاً داشتن همسر دیگر را مانع تنظیم اقرارنامه زوجیت می‌داند. جالب است که ادارات ثبت احوال پا را فراتر گذاشته و در مواردی که همسر مرد فوت نموده و یا مطلقه گردیده است، در صورت تنظیم اقرارنامه زوجیت برای همسر بعدی از درج واقعه نکاح در اسناد سجلی زوجین صرفاً به این بهانه که در سوابق سجلی سابقه ازدواج برای مرد وجود دارد، خودداری می‌کنند. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز هر چند معتقد به عدم امکان ثبت نکاح دوم در دفاتر رسمی ازدواج می‌باشد ولی نکاح دوم مرد را با بقاء نکاح نخست صحیح و تنظیم اقرارنامه زوجیت را بلااشکال می‌داند: نظریه شماره ۷/۲۵۱۶-۷/۱۸-۵/۶۱ در مورد تقاضای زنی که خود را زوجه ثانیه مردی معرفی می‌نماید به الزام زوج به ثبت واقعه ازدواج، در صورتی که زوج اعلام دارد که زوجه اول به این امر رضایت ندارد ولی خود او در صورتی که دادگاه اجازه به این امر دهد حاضر است ازدواج مجددش را رسمی کند، تکلیف دادگاه چیست؟ نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است: «عدم تحصیل اجازه برای ازدواج دوم موجب بطلان نکاحی که با رعایت شرایط صحت مقرر در قانون مدنی واقع شده است نیست. النهایه چون ماده ۱۷ قانون حمایت خانواده نکاح دوم را بدون اجازه دادگاه ممنوع ساخته و مجازاتی برای آن در نظر گرفته است، لذا چنین نکاحی قانوناً قابل ثبت نیست و صدور حکم بر الزام به ثبت آن هم مورد ندارد ولی از حیث مصالح اطفال حاصل از چنین نکاح تبصره ماده ۱۶ قانون ثبت احوال مقرر داشته صدور شناسنامه برای اطفال و ثبت واقعه تولد طفل در اسناد سجلی زوجین جایز می‌باشد و همچنین ثبت واقعه ازدواج در اسناد



سجلی زوجین با شرایط مقرر در ماده ۳۲ قانون مذکور خالی از اشکال است»<sup>۱</sup>.  
 عقد نکاح همین که با رعایت شرایط مقرر در قانون مدنی و شرع واقع شد مطابق ماده ۲۲۳ قانون مدنی محمول بر صحت است و حکم به بطلان آن نیازمند دلیل است، به خصوص که عقد نکاح با نظم اجتماع ارتباط تنگاتنگ دارد و همان طور که بیان شد بخش اخیر ماده ۱۷ ق.ح.خ که برای مرد در صورت مبادرت به ازدواج دوم بدون تحصیل اجازه دادگاه تعیین مجازات نموده است به معنی بطلان نکاح دوم نیست. بنابراین اگر نظر بر درستی نکاح ثانی داشته باشیم اخبار به امر صحیح هیچ اشکالی ندارد. اگر ثبوت یک امر از نظر حقوقی منعی نداشته باشد مسلماً اثبات آن نیز مغایر قانون نخواهد بود، به خصوص که هیچ نص صریح قانونی بر ممنوع بودن تسجیل چنین اقرارنامه‌هایی وجود ندارد و حتی مقررات قانونی که بند ۱۷۱ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی بر اساس آن (قانون حمایت خانواده) صادر شده است وضعیت مشخص اجرایی یکسانی در مراجع قضایی ندارد.<sup>۲</sup>

نکته جالب اینکه بخشنامه مزبور مانع ثبت اقرارنامه برای ازدواجهای دومی نیز است که قبل از پایان سال ۱۳۳۹ (قبل از تصویب قانون حمایت خانواده) صورت گرفته است. ازدواج مجدد در زمان حاکمیت قانون حمایت خانواده موکول به تحصیل اجازه از دادگاه بوده و قبل از تصویب این قانون هیچ منعی برای ازدواجهای مجدد وجود نداشت. از این حیث این بخشنامه بر خلاف صریح ماده ۴ قانون مدنی است. طبق این ماده: «اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود

۱. نقل از کتاب «گزیده قوانین و بخشنامه‌های ثبتی»، تدوین: امیر هوشنگ ساسان نژاد، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۴، ص ۴۱۴.

۲. نظریه مشورتی شماره ۷/۲۵۵۲ - ۱۳۵۹/۶/۸ اداره حقوقی قوه قضاییه در خصوص اعتبار قانون حمایت خانواده: سؤال: آیا تمام مقررات مذکور در قانون حمایت خانواده لغو شده یا بخشی از آن به قوت خود باقی است؟ جواب: «چون به موجب ماده ۱۹ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص، قانون محاکم شرع مصوب آذرماه ۱۳۱۰ و سایر قوانین و مقررات مغایر آن ملغی گردیده است لذا از قانون حمایت خانواده مواد مربوط به قوانین شکلی (آیین دادرسی) و ماده ۸ مربوط به طلاق که مغایر با لایحه قانونی مزبور می‌باشد و همچنین مقررات راجع به ولایت و قیمومیت که مخالف با قانون مدنی است، ملغی است و بخشی دیگر از جمله ماده ۷ آن قانون و تبصره‌اش به قوت خود باقی است».

قانون، مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.»

بر فرض که مقررات قانون حمایت خانواده مانع ثبت اقرارنامه برای ازدواجهای مجدد باشد، ولی این قانون نسبت به ماقبل خود نمی‌تواند اثر داشته باشد و مانع ثبت اقرارنامه زوجیت برای ازدواجهای مجدد قبل از حاکمیت خود شود، حال آنکه بند ۱۷۱ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی شامل تمامی ازدواجهای می‌شود.

به نظر استاد محمد جعفر جعفری لنگرودی تنظیم اقرارنامه در چنین مواردی اشکال ندارد. از دیدگاه او در صورتی که شناسنامه‌های هر یک از فرزندان ارشد دو زوجه دلالت بر وقوع ازدواج زوج، قبل از پایان سال ۱۳۳۹ داشته باشد، ثبت اقرارنامه برای هر دو فقره ازدواج در دفاتر اسناد رسمی بلااشکال است.<sup>۱</sup>

#### ۲-۱- شرط قید اعتراف طرفین به نبود همسر دیگر برای زوج

در بخشنامه به نکته دیگری نیز اشاره شده و آن اینکه: «... باید در متن سند اعتراف طرفین به اینکه زوج همسر دیگر ندارد نیز تصریح و قید گردد» معلوم نیست قید این جمله در اقرارنامه چه آثار حقوقی دارد و استناد قانونی آن چیست؟ درج این جمله در متن سند چنانچه بعد از تنظیم آن خلافتش ثابت شود چه مسؤولیتی را اعم از حقوقی یا کیفری، مستقیم یا غیر مستقیم بر عهده طرفین اقرارنامه زوجیت و می‌گذارد. اگر بررسی سند سجلی و سایر اوراق و مدارک طرفین برای احراز نداشتن همسر دیگر برای مرد اقرار کننده توجیه عقلایی و حقوقی هم داشته باشد (صرف نظر از مطالب پیش گفته) قید جمله مزبور هیچ‌گونه توجیهی ندارد و اگر مقصود از درج چنین جمله‌ای ایجاد الزام برای مرد باشد که از فریب زن خودداری کند (در راستای حکم ماده ۶ قانون راجع به ازدواج و در حال حاضر ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی) علاوه بر اینکه اعتراف زن در این باره موضوعیتی ندارد اقرار و اعتراف مرد نیز در صورتی که کذب باشد دردی را دوا نمی‌کند، چرا که اگر او همسر دیگری داشته باشد و بر خلاف واقع خود را بی‌زن قلمداد کرده باشد، قابل

۱. دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، ج ۲، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶، ص ۵۷۹.

مجازات خواهد بود. بنابراین صدور چنین بخشنامه هایی که متضمن وضع تشریفات و الفاظ و عبارات خاص برای اقرارنامه زوجیت می باشد، نتیجه ای جز فراهم کردن موجبات تعقیب انتظامی سران دفاتر اسناد رسمی به سبب مراعات نکردن این بخشنامه ها نخواهد داشت. در صورت موجه بودن این گونه اقدامات باید مفاد کلیه قوانین حقوقی و کیفری جهت اطلاع طرفین در اسناد تصریح شود تا طرفین در آینده هیچ عذر و بهانه ای نداشته باشند، حال آنکه جهل به قانون رافع مسؤولیت نیست و قوانین ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی در سراسر کشور لازم الاتباع است و هیچ کس نمی تواند در مورد قوانین به عذر عدم اطلاع متوسل شود.<sup>۱</sup> تصریح ماده ۶ قانون ازدواج بر این که در قباله مزاجت باید قید شود که مرد، زن دیگر دارد یا نه نیز راجع به ثبت ازدواج در دفاتر رسمی ثبت ازدواج است و شامل اقرارنامه زوجیت نمی تواند باشد، چرا که ازدواج در زمان تنظیم اقرارنامه زوجیت واقع نمی شود بلکه اقرارنامه زوجیت حکایت از وقوع آن در ایام گذشته دارد و قید این موضوع در اقرارنامه عبث و بیهوده است.

۳-۱- رعایت ماده ۶۸ اصلاحی مصوب ۱۳۵۰/۱۲/۲۳ آیین نامه قانون ثبت احوال هر چند ماده ۶۸ اصلاحی مرقوم جای خود را به ماده ۳۲ قانون ثبت احوال داده است، ولی هنوز هیچ گونه تغییری در بند ۱۷۱ مجموعه بخشنامه های ثبتی داده نشده است. جالب است که سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در بخشنامه شماره ۱۶۵۶۹/۱۳۴/۱۲ - ۷۸/۱۰/۱۲ بند ۴۱ مجموعه بخشنامه های ثبتی را به این دلیل که در ماده ۶۸ اصلاحی ذکر مذهب زوجین ضروری شناخته نشده، ملغی اعلام نموده است. مقصود صادر کننده بند ۱۷۱ مجموعه بخشنامه های ثبتی از رعایت ماده ۶۸ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت احوال، رعایت سن ازدواج است که چون بند ۲ ماده ۳۲ قانون ثبت احوال جای آن را گرفته ما آن را در نقد بند یک نظریه وحدت رویه شماره ۲۲/۱۹۹۰۰ - و - ر مورخ ۱۳۸۱/۶/۲ کمیسیون وحدت رویه قانون مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲- بند یک نظریه شماره ۲۲/۱۹۹۰۰- و- ر مورخ ۱۳۸۱/۶/۲ کمیسیون وحدت رویه کانون سردفتران و دفتریاران: کمیسیون مزبور در پاسخ سؤال دفترخانه ۲۰ جهرم که پرسیده است: «زوجین قصد تنظیم اقرارنامه زوجیت دارند و با توجه به اینکه در زمان عقد سن زوجه کمتر از ۱۵ سال بوده است ثبت اقرارنامه آنها اشکال قانونی دارد یا خیر؟» اظهار نظر نموده است: «تنظیم اقرارنامه زوجیت با توجه به بند ۲ ماده ۳۲ قانون ثبت احوال در صورتی که در زمان تنظیم اقرارنامه زوج دارای بیست سال تمام و زوجه هیجده سال تمام شمسی باشد تنظیم اقرارنامه زوجیت بلااشکال است.»

**شرط داشتن سن ۱۸ سال برای زوجه و ۲۰ سال برای زوج در زمان تنظیم اقرارنامه**

ماده ۳۲ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۴ و همین طور ماده ۶۸ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت احوال که ظاهراً با وجود ماده ۳۲ قانون ثبت احوال نیز از نظر سازمان ثبت اسناد و املاک به قوت خود باقی است (چرا که بند ۴۱ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی به استناد آن لغو گردیده است نه ماده ۳۲ ق.ث.ا) موادی قانونی‌اند که تا در مورد اقرارنامه زوجیت سؤالی می‌شود و یا بازرسی می‌خواهد چنین اسنادی را بازرسی نماید به سراغ آن می‌روند و همگان سعی می‌کنند شرایط اقرارنامه زوجیت را در بندهای سه گانه ماده ۳۲ مزبور جستجو کنند. ماده ۶۸ اصلاحی تأکیدی است بر اجرای مقررات قانون مدنی و ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در تنظیم اقرارنامه‌های زوجیت، و بنابراین در مورد آن بحثی نیست و به نظر می‌رسد با تصویب ماده ۳۲ قانون ثبت احوال دیگر استناد به آن با توجه به اینکه موضوع هر دو ماده یکی است، وجاهت نداشته باشد. لکن درباره ماده ۳۲ ق.ث.ا نکات قابل تأملی وجود دارد که نیازمند بررسی است. آنچه از نظریه کمیسیون وحدت رویه فهمیده می‌شود این است که تنظیم اقرارنامه زوجیت برای زنان ۹ تا ۱۸ ساله و مردان ۱۵ تا ۲۰ ساله، قانونی نخواهد بود، حال آنکه از سال ۱۳۵۴ تاکنون تغییرات زیادی در قوانین و مقررات مربوط انجام شده است و اگر سن ازدواج هنوز هم ۱۸ سال برای زن و ۲۰ سال برای مرد بود، این نظریه، نظریه بجایی بود و دفاتر اسناد رسمی در تنظیم اقرارنامه‌های زوجیت مکلف به رعایت سن ازدواج بودند، آن هم نه به

دلیل رعایت ماده ۳۲ قانون ثبت احوال، بلکه برای رعایت ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده که سن ازدواج را تعیین نموده بود. چرا که حکم ماده ۳۲ ق.ث.ا منحصر به مورد خاصی است و آن اینکه در صورت وجود شرایط سه گانه مندرج در آن ماده ادارات ثبت احوال باید واقعه ازدواج را در اسناد سجلی زوجین اخبار نمایند؛ بنابراین، بنا به دلایل زیر بند ۲ ماده ۳۲ ق.ث.ا نمی تواند مانع تنظیم اقرارنامه زوجیت برای زنان ۹ تا ۱۸ ساله و مردان ۱۵ تا ۲۰ ساله شود:

۱- با مذاقه در ماده ۳۲ مرقوم و ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده و ماده ۶۸ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت احوال، این نتیجه حاصل است که مقصود قانونگذار در تنظیم این نوع اقرارنامه، رعایت سن ازدواج است. برای روشن شدن قضیه عین ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ را می خوانیم: «ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به ۲۰ سال تمام ممنوع است مع ذالک در مواردی که مصالحی اقتضاء کند، استثنائاً در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال تمام کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است معافیت از شرط سن اعطاء شود...»

قانون حمایت خانواده در ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۳ تصویب شده و ماده ۳۲ قانون ثبت احوال درست پنج ماه بعد از آن قانون وضع گردیده است و بنابراین سن مقرر در بند ۲ ماده ۳۲ ق.ث.ا چیزی نیست جز همان سن ازدواج مقرر در ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده و تأکیدی است بر مراعات سن ازدواج در تنظیم اقرارنامه های زوجیت و تمهیدی است برای ممانعت از فرار از دستور قانونی ماده ۲۳ مزبور که افراد غیر واجد سن ازدواج نتوانند به نحو غیر ثبتی ازدواج نموده و به موجب اقرارنامه زوجیت به ثبت ازدواج خود مبادرت نمایند. در حال حاضر سن ازدواج با اصلاح مواد ۱۰۴۱ و ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره ۱ ماده اخیرالذکر و رأی وحدت رویه شماره ۳۰- ۱۳۶۴/۱۰/۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور<sup>۱</sup>

۱. ناصر رسایی نیا، (گردآورنده)، مجموعه آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۸، نشر سمن، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۲۸۹.

و بند یک نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۹۳۴ - ۱۱/۲/۱۳۷۰ تغییر یافته است و این سن برای دختر ۹ سال و برای پسر ۱۵ سال تمام قمری است و بنابراین، بند ۲ ماده ۳۲ قانون ثبت احوال به طور ضمنی نسخ گردیده و فعلاً غیر قابل استناد است و اگر به منسوخ بودن بند ۲ ماده مرقوم هم معتقد نباشیم، باید گفت ماده قانونی مزبور در صدد بیان شرایط اقرارنامه زوجیت نیست بلکه بیانگر شرایطی است که در صورت جمع بودن آن شرایط ادارات ثبت احوال می‌توانند ازدواج زوجین را در اسناد سجلی آنها اخبار نمایند. ماده ۳۲ قانون ثبت احوال می‌گوید: «... ازدواج هایی که در دفاتر رسمی ازدواج به ثبت نرسیده باشد، در صورت وجود شرایط زیر در اسناد سجلی زن و شوهر ثبت خواهد شد:

۱- ارائه اقرارنامه رسمی مبنی بر وجود رابطه زوجیت بین متقاضیان ثبت واقعه ازدواج.

۲- در موقع تنظیم اقرارنامه زوجیت سن زوج از بیست سال تمام و سن زوجه از هجده سال تمام کمتر نباشد.

۳- گواهی ادارات ثبت احوال محل صدور شناسنامه‌های زوجین به اینکه در تاریخ اعلام واقعه طرفین در قید ازدواج دیگری نمی‌باشند.»

بنابراین، بررسی و احراز شرایط مقرر در آن ماده تکلیفی است بر ادارات ثبت احوال که در صورت وجود آن شرایط، مکلفند واقعه ازدواج را در اسناد سجلی زوجین ثبت کنند و گرنه باید از پذیرش درخواست متقاضیان امتناع نمایند. در حالی که سند اقرارنامه زوجیت یک سند رسمی است و محل استفاده آن فقط در ادارات ثبت احوال نیست. ممکن است زوجه برای مطالبه مهریه خود بخواهد به استناد آن درخواست صدور اجراییه کند یا برای اخذ مستمری ناشی از فوت همسر با ارائه اقرارنامه زوجیت بخواهد وقوع نکاح را اثبات کند و... بخصوص که در حال حاضر دفاتر رسمی ازدواج حق ثبت ازدواجهای غیر

۱. ر.ک به: کتاب راهنمای طرح دعاوی خانوادگی، از امیر هوشنگ ساسان نژاد و سعید باقری، چ اول، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۴.

ثبتي سابق را ندارند و تنها طريق ممکن تسجيل چنين ازدواجهایی، ثبت آن به صورت اقرارنامه زوجیت در دفاتر اسناد رسمي است. از کجای ماده ۳۲ بيان شرایط اقرارنامه زوجیت از سوی قانونگذار استنباط می‌شود؟ با صراحتی که ماده مرقوم دارد و عبارت «... در صورت وجود شرایط زیر در اسناد سجلی زن و شوهر ثبت خواهد شد...» تسری حکم ماده به سایر اقرارنامه‌های زوجیت که در وضع حقوقی کنونی منعی برای ثبت آن وجود ندارد، با هیچ یک از اصول حقوقی سازگاری ندارد. البته در زمان حاکمیت ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده اقرارنامه‌های زوجیت تنظیمی برای دختران ۹ تا ۱۸ ساله و پسران ۱۵ تا ۲۰ ساله قابل ترتیب اثر نمی‌توانست باشد و تنظیم آن نیز غیر قانونی بود چرا که در آن زمان چنين اشخاصی اصلاً حق تمتع برای ازدواج نداشتند مگر آنکه برای آنها معافیت از شرط سن ازدواج صادر می‌شد. در حالی که فعلاً هیچ منعی برای ازدواج آنها وجود ندارد.

## ۲ - قاعده «من ملک شیئا ملک الاقرار به»

در این قاعده شیء عام است و شامل اعیان و افعال می‌شود.<sup>۱</sup> مقصود از این قاعده که با عبارات گوناگون: «من قدر علی انشاء شیء ملک الاقرار به»؛ «من ملک الانشاء ملک الاخبار»؛ «کل من قدر علی انشاء شیء قدر علی الاقرار به» و... در حقوق اسلامی مورد بحث قرار گرفته، این است که هرکس سلطه قانونی بر انجام کاری داشته باشد، اختیار اقرار راجع به آن را هم دارد. هرکس اختیار تصرف در چیزی یا انجام کاری را داشته باشد اصالتاً یا وکالتاً یا ولایتاً می‌تواند نسبت به آن اقرار کند.<sup>۲</sup>

مطابق این قاعده سلطنت بر ثبوت امری ملازمه با سلطنت با اثبات آن امر دارد. کسی که قانوناً صالح بر انجام یک عمل حقوقی است می‌تواند اقرار به وقوع آن نماید.<sup>۳</sup> بنابراین با استفاده از این قاعده نیز می‌توان به صحت اقرار دختران ۹ تا ۱۸ ساله و

۱. آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی، قواعد فقهیه، نشر مبعاد، ۱۳۷۲، ص ۱۹.

۲. دکتر ابوالحسن محمدی، قواعد فقه، ج اول، نشر یلدا، ۱۳۷۳، صص ۱۹ و ۱۸.

۳. شهید اول، الفوائد و الفوائد، ص ۳۱۴.

پسران ۱۵ تا ۲۰ ساله بر زوجیت حکم نمود، چرا که همان طور که گذشت، آنها طبق قوانین جاری، حق ازدواج دارند و چون حق ازدواج دارند، حق اقرار به آن را نیز طبق قاعده خواهند داشت. چگونه قابل توجیه است که به کسی اجازه انجام امری داده شود ولی اجازه اخبار به وقوع آن در ایام گذشته داده نشود؛ ثبوت امر ممکن باشد ولی اثبات آن غیر مقدور؛ و این ممنوعیت فقط شامل حال یکی از دلایل اثبات یعنی اقرارنامه رسمی زوجیت باشد و هیچ منع قانونی بر اینکه طرفین بتوانند وقوع ازدواج را با اقرار در محکمه و یا اقامه شهود در آن به اثبات برسانند وجود نداشته باشد. بر اساس کدام موازین حقوقی محکمه می تواند اقرار شفاهی بر وقوع ازدواج در حضور قاضی را بپذیرد ولی به اقرار بر زوجیت رسمی نتواند ترتیب اثر دهد؟

### ۳- نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۲۷۱۷ مورخ ۱۳۶۰/۶/۲۵

برای روشن شدن مطلب عین سؤال و پاسخ اداره حقوقی ذکر می شود:

سؤال: اقرارنامه‌ای بین زن و مردی تنظیم شد، با این صورت که زوج رأساً و پدر زوجه ولایتاً از طرف فرزندش اقرار نموده‌اند که بین آنها در سال ۱۳۵۷ ازدواج عادی انجام شده است. آیا این اقرار قابل ترتیب اثر و ازدواج مذکور صحیح است یا نه؟ توضیح آنکه سن زوج در تاریخ ازدواج ۱۷ و سن زوجه ۱۴ سال بوده است.

نظریه مشورتی اداره حقوقی: «ازدواج پسر هفده ساله با دختر چهارده ساله شرعاً بلااشکال است و چون هر دو از نظر شرع بالغ محسوب می شوند اقرارشان مسموع می باشد مضافاً بر اینکه پدر دختر هم به صحت آن اقرار و تأیید نموده است لذا اقرارنامه تنظیم شده دارای آثار قانونی است.»

با دقت در متن سؤال و نظریه معلوم می شود که هم در زمان ازدواج و هم هنگام تنظیم اقرارنامه سن طرفین کمتر از ۱۸ و ۲۰ سال بوده و این نظریه در سال ۱۳۶۰ صادر شده است و حقوقدانان اداره حقوقی به ماده ۳۲ قانون ثبت احوال نیز عنایت داشته‌اند و جالب است که در زمان صدور نظریه مزبور هنوز ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره یک آن



اصلاح نشده بود و بلکه در تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۸ اصلاح گردید و اداره حقوقی به اسناد اینکه ازدواج افراد مزبور شرعاً اشکالی ندارد، نظر بر صحت چنین اقرارنامه‌هایی داده است و با اصلاح ماده ۱۲۱۰ و تبصره آن که متضمن تغییر سن ازدواج از ۱۸ و ۲۰ سال به ۹ و ۱۵ سال است به طریق اولی در صحت این اقرارنامه‌ها از نظر شرعی و قانونی نباید تردید کرد. هرچند که نظرات اداره حقوقی جنبه مشورتی دارد و لازم الاتباع نیست، حداقل نتیجه‌ای که از این نظرات می‌توان گرفت این است که اگر سردفتر اقدام به تنظیم اقرارنامه زوجیت برای پسران ۱۵ تا ۲۰ ساله و دختران ۹ تا ۱۸ ساله نموده باشد با وجود نظرات ضد و نقیضی مانند نظریه فوق الذکر و نظریه کمیسیون وحدت رویه که پیشتر ذکر گردید، نباید سردفتر را تحت تعقیب انتظامی قرار داد و نظرات مزبور مؤید این است که مطلب جزو مباحث نظری است و در مباحث نظری که نظرات متفاوت و گوناگونی وجود دارد، تعقیب سردفتر و جاهت قانونی ندارد.<sup>۱</sup>

### ۳- قید تابعیت طرفین در اقرارنامه زوجیت

معمول است که در اقرارنامه‌های تنظیمی درباره زوجیت، تابعیت طرفین اقرار نیز نوشته می‌شود. اگر برای ذکر مذهب زوجین، بخشنامه وجود داشت و اخیراً سازمان ثبت اسناد و املاک کشور آن را ملغی اعلام نموده است، برای قید تابعیت زوجین در اقرارنامه زوجیت، نه قانونی وجود دارد و نه بخشنامه قانونی. معلوم نیست ذکر تابعیت در اقرارنامه زوجیت به کدامین استناد قانونی بین دفاتر اسناد رسمی معمول گشته است. با نبود دستور قانونی به نظر می‌رسد ذکر تابعیت طرفین در اقرارنامه‌های رسمی زوجیت ضرورتی نداشته باشد و مسوولیتی نیز متوجه سران دفاتر اسناد رسمی در این باره نخواهد بود.

### ۴- قید حاصل ازدواج در اقرارنامه زوجیت

بعضی از دفاتر اسناد رسمی وسواس به خرج می‌دهند و از ثبت اقرارنامه زوجیت برای

۱. فراز ۶ بند ب ماده ۲۹ آیین نامه قانون دفاتر اسناد رسمی، مصوب ۱۳۵۴.

کسانی که ازدواجشان منتهی به ولادت طفل نشده است، خودداری می‌کنند و حتی بعضی از آنها در سند اقرارنامه زوجیت قید می‌کنند که حاصل ازدواج عبارتست از یک یا چند دختر یا پسر. این سخت‌گیریها صرفاً بدان جهت است که فکر می‌شود چه بسا ممکن است ازدواج غیر ثبتي برای فرار از تحصیل اجازه ولی دختر باکره باشد که چون بدون اجازه ولی ثبت ازدواج در دفاتر رسمی ازدواج مقدور نیست، بخواهند از طریق ثبت اقرارنامه زوجیت عمل نمایند، حال آنکه اقرارنامه صرفاً اخبار مقررین است به وقوع واقعه نکاح در زمان گذشته و سردفتر قادر به احراز مکونات قلبی طرفین و صحت و سقم اقرار آنها نیست. چه بسا زوجین عقیم باشند و اصلاً مقاربت منتهی به ولادت طفل نشود. از سوی دیگر هر چند طبق ماده ۱۰۴۳ ق.م.نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده - اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد - موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است. ولی با وقوع مقاربت و دخول و زوال بکارت در هر حال اجازه پدر و جد پدری ساقط است و اصلاً در زمان تنظیم اقرارنامه زوجیت در صورت مقاربت طرفین و زوال بکارت موضوع فرار از تحصیل اجازه ولی، مندرج در ماده ۱۰۴۳ ق.م.منتفی است چرا که طبق رأی وحدت رویه شماره ۱ - ۱۳۶۳/۱/۲۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با زوال بکارت از طریق مقاربت، ولایت پدر یا جد پدری ساقط است و مشروعیت یا عدم مشروعیت دخول تأثیری در قضیه ندارد.<sup>۱</sup>

بنابراین برای اطمینان از وقوع ازدواج در زمان سابق لازم نیست سردفتر بررسی نماید که آیا ازدواج تولد فرزندی را به دنبال داشته است یا نه؟ و می‌تواند اقرار طرفین را بر وقوع نکاح به ثبت برساند. بدیهی است اگر بعداً کذب اقرار طرفین به اثبات برسد و معلوم شود اصلاً ازدواجی در گذشته واقع نشده است اقرارشان اثری نخواهد داشت.

نکته‌ای که لازم است در اینجا به آن پاسخ داده شود این است که اگر ازدواج در زمان گذشته واقع شده باشد ولی دخول صورت نگرفته باشد آیا می‌توان آن را به عنوان یک ازدواج نو در دفاتر ازدواج ثبت نمود؟ مطمئناً چنین ازدواجهایی نیز قابل ثبت در دفاتر رسمی ازدواج نیست چرا که دخول شرط صحت عقد نکاح نیست و ازدواج از تاریخ اجرای صیغه

عقد دائم منعقد شده و آثار نکاح دائم برای آن جاری خواهد بود. طبق ماده ۱۱۰۲ ق.م.م: «همین که نکاح به طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.» و شوهر باید نفقه زن را بپردازد (مواد ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ ق.م) و سایر حقوق و تکالیف زوجیت برقرار است. با این تفاوت که اگر نکاح قبل از دخول منتهی به طلاق شود، طبق ماده ۱۰۹۲ ق.م زن مستحق نصف مهر خواهد بود و در صورت عدم تعیین مهر یا اندراج شرط عدم مهر در ضمن عقد نکاح اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد زن مستحق هیچ‌گونه مهری نخواهد بود (مواد ۱۰۸۷، ۱۰۸۸ ق.م) یا اینکه اگر مرد در حال مرض زنی را عقد کند و در همان مرض قبل از دخول بمیرد زن از او ارث نمی‌برد لیکن اگر بعد از دخول یا بعد از صحت یافتن از آن مرض بمیرد، زن از او ارث می‌برد. (م ۹۴۵ ق.م)

بنابراین اگر عقد نکاح قبلاً واقع شده باشد، در هر صورت باید برای آن تنظیم اقرارنامه زوجیت نمود، چه فرزندی به دنیا آمده باشد یا نه و چه دخول صورت گرفته باشد یا نه و قید حاصل ازدواج نیز در اقرارنامه زوجیت امری زاید است و اگر نیاز به اثبات نسب و فرزندی باشد باید برای آن اقرارنامه نسب تنظیم نمود که در حال حاضر ثبت چنین اقرارنامه‌هایی نیز برای ارائه به ادارات ثبت احوال و محاکم قضایی معمول است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

#### ۵- قید مهریه در سند اقرارنامه زوجیت

آنچه مسلم است، این که ذکر مهر در نکاح دائم شرط صحت آن نمی‌باشد و نکاح دائم بدون مهر نیز صحیح است. مهر در اینجا یک قرارداد مالی است که به عنوان امر فرعی و تبعی با نکاح ارتباط دارد و آثار آن تابع اراده طرفین است.<sup>۱</sup> لذا ماده ۱۰۸۷ ق.م مقرر می‌دارد: «اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین، بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود.» و ماده

۱۰۸۸ آن قانون نیز بیان می‌دارد: «در مورد ماده قبل اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد زن مستحق هیچ‌گونه مهری نیست». با این حال چون در تمامی ازدواجهای انعقادی معمولاً مهر تعیین می‌شود و در حال حاضر تنها طریق ممکن برای ثبت ازدواجهای غیر ثبتی، تنظیم اقرارنامه زوجیت در دفاتر اسناد رسمی است به نظر می‌رسد توافق طرفین در مورد مهر و میزان آن نیز باید در اقرارنامه زوجیت بنا به درخواست طرفین تصریح شود. در صورت درخواست طرفین همان طور که توافق طرفین در مورد نکاح با اقرارنامه تسجیل می‌شود، باید تلاقی اراده آنها روی مهر و میزان آن نیز در ضمن اقرارنامه زوجیت ثبت شود تا مدرکی در دست زوجه باشد که به وقت نیاز در صورت استنکاف شوهر از تأدیه مهر مبادرت به درخواست صدور اجرائیه و وصول مهریه بر ضد وی نماید. چرا که اقرارنامه زوجیت نیز یک سند رسمی است و مانند سایر اسناد بدون نیاز به حکم دادگاه لازم الاجرا است.<sup>۱</sup>

### نکته: حق الثبت و حق التحریر اقرارنامه زوجیت

اقرار بر زوجیت فی نفسه یک سند غیر مالی است و طبق ماده ۱۲۴ قانون ثبت و تبصره ۲ ماده ۵۰ قانون دفاتر اسناد رسمی حق الثبت آن به مأخذ پنجاه هزار ریال وصول می‌شود. اگر در اقرارنامه زوجیت مهر زوجه قید شده باشد، چون نسبت به مهریه حق الثبت تعلق نمی‌گیرد در هر صورت حق الثبت آن همان ۱۵۰۰ ریال است. بنابراین چه در اقرارنامه مهر ذکر شده باشد و چه نه، در هر صورت حق الثبت آن طبق ماده ۱۲۴ ق.ت و وصول خواهد شد. از حیث اینکه یک اقرارنامه تنظیم شده است و نباید به طور کلی اقرارنامه زوجیت را معاف از حق الثبت دانست، بلکه در صورت ذکر مهر در اقرارنامه زوجیت در واقع چنین سندی متضمن اخبار به دو نوع توافق است: ۱- اخبار به وقوع عقد نکاح بین طرفین اقرار، ۲- اخبار به تحقق قرارداد مربوط به مهر بین آنها و التزام به تأدیه آن. از این جهت که اقراری تسجیل یافته است باید حق الثبت یک سند غیر مالی یعنی ۱۵۰۰ ریال به نفع

دولت وصول شود. لکن نسبت به مبلغ مهر حق الثبتی اخذ نخواهد شد. ذکر مهر هر چند سند را تبدیل به یک سند مالی می‌نماید ولی چون نسبت به مهریه حق الثبت وصول نمی‌شود حق الثبت همان ۱۵۰۰ ریال است. ولی وضع در مورد حق التحریر فرق می‌کند. اگر در اقرارنامه زوجیت مهر ذکر نشده باشد، حق التحریر آن ۳۰۰۰۰ ریال خواهد بود و چنانچه توافق قبلی طرفین بر مهر در چنین سندی تصریح گردیده باشد، از آنجا که مهر یک دین مسلم است زوج باید آن را عندالمطالبه زوجه در حق او پرداخت نماید و در واقع ذکر مهر آن را تبدیل به یک سند مالی می‌کند و حق التحریر باید بر اساس مبلغ مهر وصول شود. چرا که حکم معافیت از حق الثبت شامل معافیت از حق التحریر نیز نیست و تا قانونی برای معافیت از پرداخت حق التحریر وجود نداشته باشد، الزام سردفتر به اخذ نمودن حق التحریر و جاهت نخواهد داشت. ذکر اقرارنامه در عداد اسناد غیر مالی به معنی غیر مالی بودن اقرارنامه در همه حال نیست، بلکه اگر اقرارنامه متضمن مشغولیت ذمه کسی در قبال دیگری باشد یک سند مالی است و نسبت به وجه موضوع سند باید هم حق الثبت و هم حق التحریر وصول شود، مگر اینکه موضوع اقرار مشمول معافیت از حق الثبت باشد که در آن صورت فقط حق التحریر اخذ خواهد شد. همان طور که اسناد تعهدنامه یا قراردادنامه یا رضایت نامه نیز در شمار اسناد غیر مالی آمده است. ولی این بدان معنی نیست که این اسناد فی حد ذاته سند غیر مالی است و در هر صورت نباید برای آن حق الثبت یا حق التحریر اخذ نمود بلکه اگر اسناد مزبور متضمن التزام به پرداخت وجه یا مشعر بر دریافت و رد و بدل شدن آن و امثال آن باشد یک سند مالی است و بر اساس مبلغ مندرج در سند باید حق الثبت و حق التحریر دریافت نمود. هر جا حق الثبتی وصول می‌شود اخذ حق التحریر نیز باید بر اساس همان مبلغ باشد و در مورد اقرارنامه زوجیت متضمن ذکر مهر معافیت از حق الثبت به معنی معافیت از حق التحریر نمی‌باشد.<sup>۱</sup>

۱. مطالب مندرج در مقاله نظریه شخصی نویسنده است و ضرورتاً نظریه مجله یا کانون سردفتران نیست و در برخی موارد باید من باب احتیاط تأمل کرد و از خوانندگان به خصوص سران دفاتر اسناد رسمی دعوت می‌شود که برای هر چه پر بارتر شدن بحث، نظرات خود را درباره این مقاله نفیاً یا اثباتاً به طور مستدل و علمی مرقوم فرموده به دفتر مجله کانون ارسال دارند تا چاپ شود.



ثروءشكاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی